



(مقاله پژوهشی)

## کاربست نظریه کنش گفتاری جان سرل در خوانش خطبه غراء

فاطمه دسترنج<sup>۱\*</sup>، کیوان احسانی<sup>۲</sup>، منصوره عرب<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۲۰  
(از ص ۷۱ تا ۹۵)

### چکیده

خطبه غراء با عنایت به ارزش ادبی و اخلاقی ویژه‌اش، تحلیل‌های گوناگونی را می‌طلبد. با عنایت به آنکه کاربرد مباحث زبان‌شناسی در مطالعه متون دینی، امکان واکاوی زوایای گوناگون مسئله پژوهشی را فراهم می‌نماید، پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و بر اساس نظریه کنش‌گفتاری جان سرل، واکاوی خطبه غراء را مدنظر قرار داد تا بتوان با عنایت به این رویکرد، خوانش ساختارمندی از خطبه غراء که از شاکله زبانی قدرتمندی در ارائه مضامین مهم برخوردار است ارائه داد. بررسی مزبور روشن ساخت که از میان کنش‌های گفتاری پنج‌گانه، کنش گفتاری اظهاری، ترغیبی و عاطفی در خطبه غراء نمود دارد. البته روح کلی فعل مضمون در سخن، با توجه به بافت درون زبانی در استفاده از پاره‌گفتارهای سجع‌گونه و موزون و نیز توصیف و استعاره‌ها و از آن سو بافت موقعیت خطبه که زمینه ایراد این خطبه را سبب شده است، کنش گفتاری ترغیبی و عاطفی است که در لایه غیرمستقیم کنش گفتاری، مخاطب را از دنیاگرایی و غفلت از مرگ تحذیر داده و به تقوای الهی و توشه‌برداری برای آخرت ترغیب می‌نماید. آنچه ضریب تأثیر کنش‌های گفتاری را دو چندان می‌کند، کیفیت استفاده از این کنش‌های گفتاری است که خطی نبوده و دارای فراز و فرود است. پیش از رسیدن به نقاط اوج که می‌بایست کنش ترغیبی و عاطفی غیرمستقیم صورت گیرد، کنش اظهاری زمینه‌سازی مناسب را فراهم می‌کند.

**کلیدواژه‌ها:** کنش گفتاری، جان سرل، نهج البلاغه، خطبه غراء.

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اراک، اراک، ایران

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اراک، اراک، ایران

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اراک، اراک، ایران

\* نویسنده مسئول

## ۱. مقدمه

نهج البلاغه، همانند قرآن در عین زیبایی بیان، باطنی ژرف و محتوایی وزین دارد که همواره از زوایای مختلف، مورد تحلیل و تبیین‌های گوناگونی قرار گرفته است. آنچه امروزه در مباحث میان رشته‌ای مطرح است، تلفیق حوزه‌های زبانی با مباحث علوم دینی است تا از این طریق تلاشی برای روشمند کردن مطالعات دینی صورت گیرد؛ بنابراین یکی از راه‌های گسترش پژوهش‌های روشمند، ورود به مباحث میان رشته‌ای جهت تبیین بهتر مفاهیم متون کهن است. گستره مباحث زبان‌شناسی و کاربردشناسی زبان که در رویکردهایی مانند نظریه کنش گفتاری نمود می‌یابد این امکان را به محقق می‌دهد تا از زوایای گوناگون به مسئله پژوهشی خود بنگرد. از این رو پژوهش حاضر درصدد است با پرداختن به خطبه غراء که یکی از خطبه‌های مشهور نهج البلاغه است و با بهره‌گیری از «نظریه کنش گفتار»<sup>۱</sup> جان سرل، تحلیلی از انواع کنش‌های گفتاری پنجگانه یعنی کنش گفتاری اظهاری، اعلامی، ترغیبی، عاطفی و تعهدی ارائه نموده و با تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده که برآمده از بافت درون‌زبانی و برون‌زبانی خطبه است، خوانشی تازه از این خطبه ارائه نماید.

## ۱-۱. بیان مسئله

کنش گفتار<sup>۲</sup>، جنبه مهمی از کاربردشناسی زبان است که موضوع آن معانی خاصی است که مشارکین گفتمان بنا به دانش زمینه‌ای خود و تفسیرشان از بافت، به اجزای تشکیل‌دهنده متن نسبت می‌دهند. (آقاگل‌زاده، ۱۳۷۵: ۲۳۵) از جمله پیشگامان نظریه کنش گفتاری، آستین<sup>۳</sup> است که پس از او افرادی نظیر جان سرل<sup>۴</sup> به تشریح این نظریه و پروراندن آن روی آوردند. سرل، تغییراتی در این حوزه به وجود آورد و دستیابی به «فعل مضمون در سخن»<sup>۵</sup> را هدف اصلی این نظریه بیان کرد. قائلان به کنش گفتاری معتقدند فعل و پاره‌گفتاری که توسط گوینده بیان می‌شود، یک کنش<sup>۶</sup> محسوب می‌شود. به این معنا که انسان در قالب سخن گفتن که البته نوعی رفتار قاعده‌مند به حساب می‌آید، افعال بسیاری از قبیل توصیف، اخبار، امر، نهی، دعا، آرزو و... را انجام می‌دهد و ارتباط زبانی در صورت تحقق این فعل گفتاری صورت می‌گیرد. نگاه به متن به‌عنوان کنش به متخصصان متون مذهبی این امکان را داده است تا ماهیت دینی این متون را به شکل نظام‌مندتری تفسیر کنند (Botha, 1991: 300).

نهج البلاغه به‌عنوان یک متن دینی که از ساختار زبانی قوی و نیز محتوای ارزشمندی برخوردار است، زمینه مناسبی برای پژوهش‌های زبانی است. خطبه غراء یکی از خطب مشهور نهج البلاغه است. سبک بیانی خطبه غراء و شاکله نیرومند آن در بعد زبانی که زمینه را برای ارائه مضامین عالی و فاخر فراهم

- 
1. Speech Act Theory
  2. Speech Act
  3. John Langshaw Austin
  4. John Searl
  5. Illocutionary act
  6. act

نموده است و نیز ضرب‌آهنگ به وجود آمده از به‌کارگیری واژگان منحصر‌به‌فردی که این خطبه بلند را شکل داده‌اند، سبب شد پژوهش حاضر به‌صورت توصیفی-تحلیلی و با رویکرد کاربردشناسی که خود زیرشاخه‌ای از تحلیل گفتمان است به واکاوی این خطبه پرداخته و به این سؤال پاسخ دهد که با توجه به فعل مضمون در سخن که در بافت درون‌زبانی و برون‌زبانی شکل می‌گیرد چه انواعی از کنش‌های گفتاری و با چه بسامدی در خطبه‌غراء نمود دارد؟ و بازیابی کنش‌های گفتاری در این خطبه چه نتایجی را در پی خواهد داشت؟

### ۱-۲. پیشینه پژوهش

پیرامون پیشینه پژوهش حاضر می‌توان از یکسو به پژوهش‌هایی اشاره کرد که با محوریت خطبه‌غراء انجام یافته‌اند. برای مثال در پایان‌نامه «بررسی ادبی نهج‌البلاغه در خطبه ۸۳»، طاهره سیدی، خطبه را از لحاظ بلاغی بررسی و صنایع لفظی با محوریت سجع و جناس و نیز صنایع معنوی آن را استخراج کرده است و به مسئله زیبایی‌شناسی خطبه و نیز روابط بین متنی آن با قرآن نیز پرداخته است. در همین راستا پایان‌نامه «جلوه‌های بلاغی خطبه‌غراء در نهج‌البلاغه» که توسط فهیمه رمزعلی نوشته شده به جنبه‌های بلاغی متن پرداخته است. در مقاله «تحلیل آرایه‌های بدیع در خطبه‌غراء از منظر سبک‌شناسی آماری» که توسط هومن ناظمیان و همکارانش نگاشته شده است، هدف تحلیل خطبه بر اساس سبک‌شناسی آماری و تبیین میزان کاربرد آرایه‌های لفظی و معنوی در متن است. روشن است که این دسته از پژوهش‌ها جهت آشنایی با فضای خطبه و جنبه‌های ادبی آن مؤثر است اما با روش و نیز هدف پژوهش حاضر که همانا بررسی خطبه‌غراء از دیدگاه نظریه‌کنش گفتاری جان سرل است تفاوت دارد.

از سوی دیگر، مقالات و پایان‌نامه‌هایی نیز از زاویه‌کنش گفتاری به متن خطبه‌ها و نامه‌های نهج‌البلاغه ورود کرده‌اند. دکتر فروغ کاظمی در مقاله خود با عنوان «جستاری در نهج‌البلاغه از منظر نظریه‌زبانی کارگفت» بیان می‌دارد که تحلیل‌های کارگفتی می‌توانند در بیان گونه‌های خوانش متن در خطبه‌ها راه‌گشا باشند و افق‌های تازه‌ای در تفسیر متن بگشایند. همچنین مقاله «تحلیل متن‌شناسی خطبه شقشقیه براساس نظریه‌کنش گفتاری سرل» از علی نجفی ایوکی و همکاران؛ «تحلیل خطبه ۱۶ نهج‌البلاغه بر اساس نظریه‌کنش گفتاری سرل» از حسن مقیاسی و راضیه گونه‌فرهانی و «بررسی کنش‌های گفتار در خطبه یکصد و یازدهم نهج‌البلاغه» نوشته بهزاد قنسولی، در این راستا قابل‌ذکر است. روشن است این پژوهش‌ها از حیث روش و رویکرد با نوشتار حاضر مشابهت دارند و با عنایت به این‌که تحلیل خطبه‌غراء بر پایه‌نظریه‌کنش گفتاری جان سرل، به‌طور مستقل انجام نشده، پژوهش حاضر در صدد است انواع کنش‌های گفتاری در خطبه‌غراء را تبیین نموده و خوانشی جدید از خطبه را ارائه دهد.

### ۱-۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

اهمیت پژوهش حاضر از این جهت است که نهج‌البلاغه و خطبه‌های مشهور آن نظیر خطبه‌غراء، ظرفیت پژوهش‌های گوناگون را به جهت محتوای اخلاقی و ادبی داراست. از آنجاکه کنش گفتار، از مهم‌ترین ابزارهای شناخت اندیشه است و افراد با همان عمل‌گفتن، کاری را انجام می‌دهند، امام علی(ع) نیز با

کاربرد جملاتی متناسب با بافت، عقیده و باور خود را بیان و اراده خود را به انجام رسانده‌اند. لذا بازشناسی خطبه غراء با کاربرد نظریه کنش گفتاری به منظور کشف زوایای ناپیدای گفتمان ایشان، ضرورتی غیرقابل انکار است؛ بنابراین، لازم است که برای درک صحیح آن، از سطح متن به برون متن رفت و بافت اجتماعی و تأثیرات آن را بررسی کرد و از نقد و بررسی سنتی که کار خود را بر متن متمرکز کرده، گامی فراتر نهاد.

## ۲. بحث

### ۲-۱. چارچوب نظری پژوهش

اصطلاح کنش گفتاری از اصطلاحات زبان‌شناسی و فلسفه زبان است. این نظریه زبانی با تحلیل انواع مختلف کارهایی که می‌توانیم با کلمات انجام دهیم سروکار دارد. «نظریه مذکور را می‌توان به‌مثابه حلقه رابطی در نظر گرفت که نظریه‌های انتزاعی زبان‌شناسی را با واقعیت و مشاهدات عینی که بر چگونگی کاربرد زبان مبتنی است، پیوند می‌دهد» (پایا، ۱۳۸۳: ۱۶). در واقع در این نظریه به کاربرد زبان به‌عنوان روشی برای خوانش متن توجه می‌شود که از این نظر به شاخه کاربردشناسی زبان مرتبط می‌شود.

مباحث اولیه کنش گفتاری توسط آستین (۱۹۱۱-۱۹۶۰ م) در کتاب «چگونه با کلمات می‌توان کاری انجام داد»<sup>۱</sup> آمده است. از نظر آستین فعل در بسیاری از موارد فقط اطلاعات مبادله نمی‌کند بلکه با خود عمل معادل است؛ یعنی «گفتن» با «کنش» برابر است و گوینده با به زبان آوردن این جمله‌ها کاری انجام می‌دهد (Austin, 1970: 14). «از این‌رو کنش گفتاری به عملی گفته می‌شود که در نتیجه یک گفته عمده رخ می‌دهد. از نمونه‌های کنش گفتاری می‌توان سلام کردن، پوزش خواستن، توصیف کردن یک چیز، پرسیدن، دستور دادن، قول دادن و... را نام برد. کنش گفتاری بیشتر به بررسی اشکال و قاعده‌های کنش غیر بیانی می‌پردازد» (Searle, 1969: 68).

بنابراین مدلی که نظریه کنش گفتاری از زبان ارائه می‌کند، نگرشی در باب کاربرد و معنای زبان است که در بافت ارائه می‌کند و رفتار زبانی را در دل شرایط اجتماعی و نهاده‌ای که از آن‌ها سر برآورده است، قرار می‌دهد (مکاریک، ۱۳۸۴: ۲۳۶).

در کنار آستین فیلسوفان و زبان‌شناسان دیگری نظیر: سرل، شیفر<sup>۲</sup>، فریزر<sup>۳</sup>، هانچر<sup>۴</sup>، باخ<sup>۵</sup> و هارنیش<sup>۶</sup> بررسی ماهیت کنش‌های گفتاری و طبقه‌بندی آن‌ها پرداختند که در این میان، آرای سرل درباره مقوله‌بندی کنش‌های گفتاری از اهمیت بسزایی برخوردار است. او تحت تأثیر دسته‌بندی آستین، پاره‌گفتارها را در پنج گروه طبقه‌بندی کرد. طبقه‌بندی سرل و نظرات او مبنای پژوهش حاضر است.

1. How to Do Things with Words
2. Schiffer.S
3. Fraser.B
4. Hancher.M
5. Bach.K
6. Harnish. R.M

## ۲-۱-۱. طبقه‌بندی پنج‌گانه جان سرل از کنش‌های گفتاری

سرل از جمله محققانی است که به بسط و پرورش نظریه کنش گفتار کمک کرد. «وی معتقد است که زبان نه تنها پدیده‌ها را توصیف می‌کند، بلکه در اجرای آن‌ها نیز نقش دارد. بدین معنا که انسان از زبان برای درخواست انجام کار (نقش امری)، بستن پیمان (نقش تعهدی)، بیان تشکر (نقش عاطفی) و غیره بهره می‌گیرد» (حسینی و حسن‌پور، ۱۳۹۱: ۴۳). این نگاه تفاوتی که میان نظرات سرل و آستین وجود دارد را روشن می‌سازد. سرل تمایزی را که آستین بین پاره‌گفتارهای کنشی و غیر کنشی قائل شده، نمی‌پذیرد و همه پاره‌گفتارها را پاره‌گفتارهای کنشی تعبیر می‌کند. حتی مواردی را که حالت و وضعیت امور را توصیف می‌کنند (Brinton, 2000: 302).

بیشتر زبان‌شناسان در تجزیه و تحلیل کلام، پاره‌گفتار<sup>۱</sup> را به‌عنوان واحد تحلیل به‌کار می‌برند (Crystal, 1985: 322). هرچند درباره تعریف دقیق آن اختلاف نظر وجود دارد ولی طبق یک تعریف می‌توان گفت «پاره‌گفتار، در اصل صورت گفتاری یا نوشتاری و تحقق صوری جمله است» (صفوی، ۱۳۸۷: ۴۴) که می‌تواند یک کلمه، یک جمله یا یک گفتمان کامل یا اثر ادبی باشد. (Botha, 1991: 295). باید توجه داشت آنچه در نظریه کنش گفتاری مهم است تجزیه و تحلیل «فعل مضمون در سخن» است که در حقیقت تعیین کننده معنا است و با تحقق این فعل ارتباط زبانی حاصل می‌شود. بدین ترتیب تحلیل فعل مضمون در سخن در حقیقت تحلیل معنا است که متقوم به دو عنصر است: یکی قصد گوینده و دیگری قراردادهای و قواعد زبانی‌ای که انسان برای ابراز مقاصد خود وضع می‌کند (سرل، ۱۳۸۵: ۶۵-۶۶).

در حقیقت، ایده اصلی در نظریه کنش گفتاری جان سرل، فعل مضمون در سخن و یا همان معنای ضمنی است که دستیابی به آن از طریق بافت امکان‌پذیر است. (کوک، ۱۳۸۸: ۵۷)؛ بنابراین، بافت یکی از گزاره‌های تأثیرگذار برای دستیابی به فعل مضمون در سخن است. «بافت موقعیت<sup>۲</sup> می‌تواند شرایطی را پدید آورد که مفهوم یک جمله جدا از معنی صریح خود معنای ضمنی بیابد و این معنی در آن بافت قابل‌درک گردد» (صفوی، ۱۳۸۷: ۱۷۱). از نظر نشانه‌شناسان، نظریه کنش گفتاری جان سرل از بارزترین رویکردهای کاربردشناسی است که در آن اهتمام به بافت و عناصر مرتبط به آن، ظهور بیشتری نسبت به سایر نظریه‌ها دارد.

سرل با در نظر گرفتن معیارهایی کنش‌های گفتاری را به پنج نوع کنش اظهاری، ترغیبی، عاطفی، تعهدی، اعلامی تقسیم می‌کند (Searl, 1975: 344-369). این طبقات به هیچ‌وجه انحصاری نیستند و یک پاره‌گفتار می‌تواند انواع مختلفی از کنش را در برداشته باشد (Verschuere, 2003: 24).

1. Utterance  
2. Context of situation

**کنش اظهاری<sup>۱</sup>**: آن دسته از کنش‌های گفتاری است که نشان‌دهنده باور گوینده از درستی اوضاع امور است. اظهاراتی چون بیان واقعیت، تصدیق، نتیجه‌گیری و توصیف، نمونه‌هایی از کنش‌های گفتاری‌اند که گوینده از طریق آن‌ها دنیا را آن‌چنان که هست یا آن‌چنان که باور دارد، نشان می‌دهد.

**کنش ترغیبی<sup>۲</sup>**: به آن دسته از کنش‌های گفتاری گفته می‌شود که گوینده با به‌کارگیری آن‌ها، دیگری را به انجام کاری وامی‌دارد و بنابراین بیانگر خواسته‌های گوینده است. این‌گونه کنش‌ها شامل فرامین، دستورات، درخواست‌ها و پیشنهادهای هستند و می‌توانند به صورت مثبت/ایجابی و یا منفی/اسلبی باشند.

**کنش عاطفی<sup>۳</sup>**: نوعی کنش گفتاری است که احساس گوینده را از جهان خارج نشان می‌دهد. این بیان شامل حالات روانی و نیز نمود احساساتی از قبیل شادی، درد، علاقه، تنفر، لذت یا غم است.

**کنش تعهدی<sup>۴</sup>**: آن دسته از کنش‌های گفتاری‌اند که در آن‌ها گوینده خود را ملزم به انجام کاری در آینده می‌کند و بنابراین بیانگر قصد گوینده است. این کنش‌ها دربرگیرنده وعده‌ها، تهدیدها، سرباز زدن‌ها و تعهدها هستند.

**کنش اعلامی<sup>۵</sup>**: به آن دسته از کنش‌های گفتاری گفته می‌شود که بیان آن‌ها به تغییر اوضاع دنیای خارج بیانجامد. برای انجام درست فرمان اعلام، افزون بر نیاز به بافت خاص، گوینده نیز باید دارای نقش نهادی اجتماعی خاصی باشد (بول، ۱۳۸۷: ۷۳-۷۶).

شایان ذکر است توجه به بافت در تشخیص کاربرد مستقیم و غیرمستقیم کنش‌های گفتاری بسیار مؤثر است. لذا هرگاه بین ساختار جمله و کارکرد آن رابطه‌ای مستقیم وجود داشته باشد، آن را کنش گفتاری مستقیم می‌نامند و هرگاه ارتباط بین ساختار و کارکرد غیرمستقیم باشد، آن را کنش گفتاری غیرمستقیم می‌نامند (چپمن، ۱۳۸۴: ۲۱۷).

## ۲-۲. بازیابی کنش‌های گفتاری در خطبه غراء

خطبه غراء یکی از خطبه‌های بلند و مشهور نهج‌البلاغه است. علت انتخاب این نام برای خطبه، طول آن و گزینش واژگان منحصر به فردی است که متنی منسجم و تأثیرگذار را سامان داده است، به نحوی که هنگام ایراد آن توسط امام علی(ع)، تن‌ها به لرزه افتاد و اشک‌ها سرازیر و دل‌ها لبریز از ترس و خوف الهی گردید (مغنیه، ۱۹۰۴: ۲۳۶/۲).

برخی از محورهای این خطبه عبارت‌اند از حمد الهی و بیان صفات خدا، دعوت و توصیه به تقوا، نکوهش دنیا، بیان شگفتی‌های آفرینش و خلقت انسان، یادآوری معاد و صحنه‌های هول‌انگیز قیامت، دعوت به عبرت‌گیری از سرگذشت پیشینیان و... .

- 
1. Representatives act
  2. Directives act
  3. Expressives act
  4. Commissives act
  5. Declarations act

این محورها و مضامینی که در خطبه مشاهده می‌شود، با شرایط مخاطب در زمان ایراد خطبه همخوانی دارد. «ابو نعیم اصفهانی» در «حلیة الاولیاء» بخش مهمی از این خطبه را آورده و در سبب ورود آن از علی(ع) چنین می‌گوید:

«آن حضرت جنازه مسلمانی را تشییع کردند، هنگامی که او را در قبر گذاشتند، بازماندگانش صدا به ناله و شیون بلند کرده و گریستند، امام فرمود: به خدا سوگند اگر این‌ها آنچه را میتشان مشاهده می‌کند ببینند، گریه بر او را فراموش خواهند کرد (و بر خود خواهند گریست) به خدا سوگند مرگ به سراغ یک یک از آن‌ها می‌آید و کسی را باقی نمی‌گذارد. سپس حضرت (با توجه به آمادگی گروه تشییع کننده در آن شرایط برای پذیرش اندرزهای الهی) برخاست و این خطبه را ایراد فرمود» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۳۳۱/۳).

با توجه به آنکه شرح کامل کنش‌های گفتاری خطبه غراء در این مجال نمی‌گنجد. برای ارائه نتایج به‌دست‌آمده از بررسی خطبه، به فرازهایی از خطبه که مقصود ما را روشن می‌سازد اشاره کرده و تلاش می‌کنیم تا کلیتی از نمود انواع کنش‌های گفتاری به‌کاررفته در خطبه غراء را بیان نماییم.

## ۲-۱. خطبه غراء و کنش گفتاری اظهاری

این کنش گفتاری پرکاربردترین کنش گفتاری خطبه غراء است. کنش گفتاری اظهاری در خطبه در خدمت تبیین، تشریح، تفسیر، تقیید، تعلیل، تأکید، توصیف، تقابل، تنويع، بیان ادعا، بیان عقیده، بیان نتیجه و پایان کار و... است. در جدول ۱ می‌توان میزان کاربرد افعال گوناگون را در کنش‌های گفتاری اظهاری، به ترتیب میزان تکرار و کاربرد هر یک مشاهده کرد.

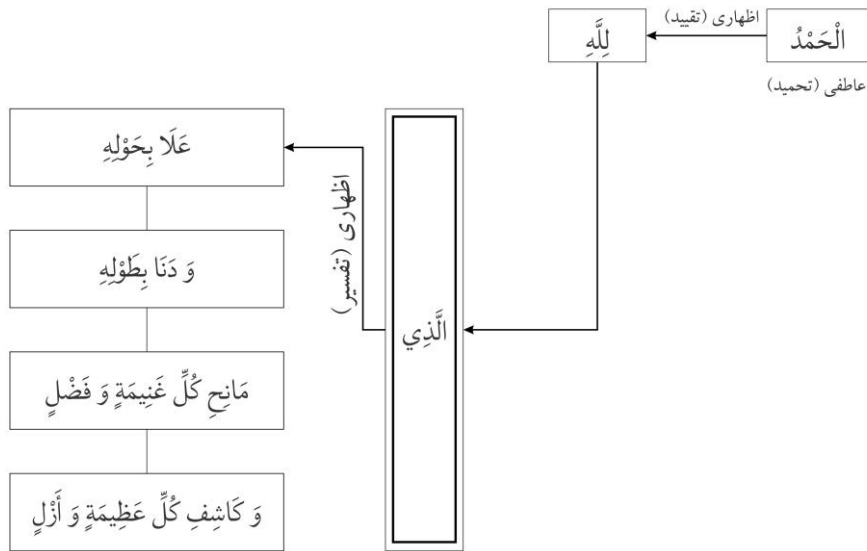
جدول ۱: فراوانی انواع فعل‌های به‌کاررفته در کنش‌های اظهاری در یک یا مجموع چند پاره‌گفتار در خطبه غراء

افعال کنش اظهاری	دفعات کاربرد	افعال کنش اظهاری	دفعات کاربرد
تشریح	۱۸	تقابل	۴
تبیین	۱۵	بیان نتیجه	۲
تفسیر	۱۰	بیان عاقبت	۳
تقیید	۹	بیان خبر	۳
تأکید	۷	بیان ادعا	۱
تحدید	۶	بیان عقیده	۱
توصیف	۵	تنويع	۱
تعلیل	۵	عبرت‌گیری	۱

...و

امام علی(ع) در ابتدای خطبه به حمد خداوند می‌پردازد؛ «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا بِحَوْلِهِ وَ دَنَا بِطَوْلِهِ مَانِحٌ كُلِّ غَنِيمَةٍ وَ فَضْلٍ وَ كَاشِفِ كُلِّ عَظِيمَةٍ وَ أَرْزَلٍ». این حمد را با کنش اظهاری مقید به الله می‌کند؛ «الْحَمْدُ لِلَّهِ». با توجه به «الَّذِي» که نقش صفت را در پاره‌گفتار مزبور دارد، حضرت، الله را با بیان چهار پاره‌گفتار بعد

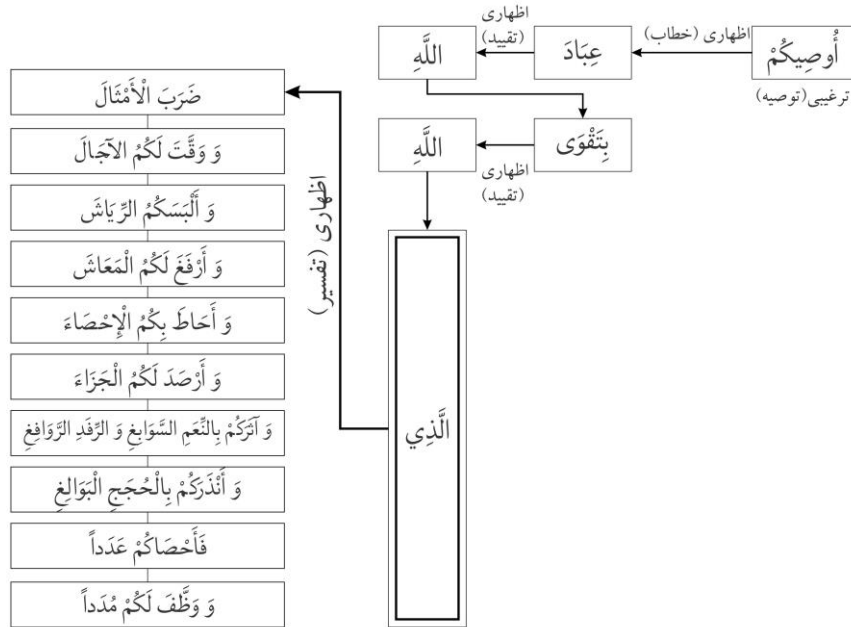
توصیف می‌کند و یا به عبارت دیگر در قالب کنش اظهاری، تفسیر می‌کند که چگونه خداوندی را حمد می‌نماید.



### نمودار ۱: کنش گفتاری اظهاری تفسیر در خطبه غراء

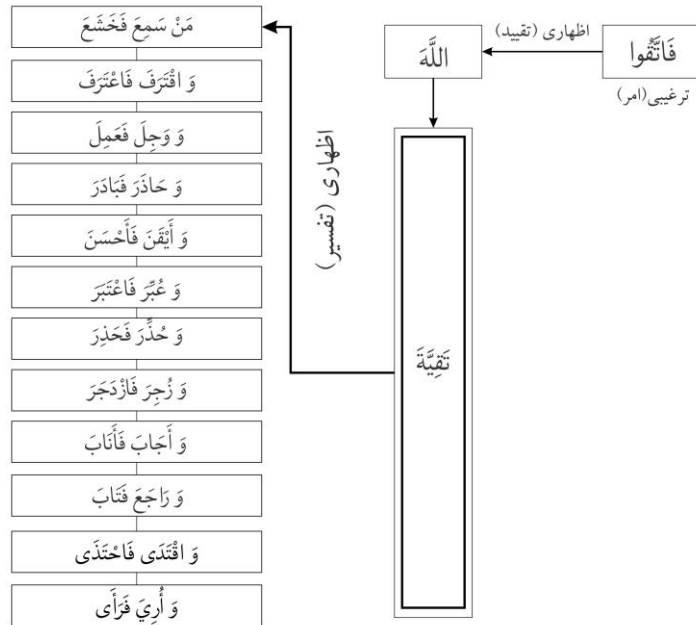
این کنش اظهاری را در چند جای دیگر در خطبه می‌توان مشاهده کرد، آنجا که عباد الله را به تقوای الهی توصیه می‌کند، الله را این‌گونه تفسیر می‌کند که «الَّذِي ضَرَبَ الْأَمْثَالَ وَوَقَّتَ لَكُمْ الْأَجَالَ وَ أَلْبَسَكُمْ الرِّيَاشَ وَ أَرْفَعَكُمْ الْمَعَاشَ ... وَ وَطَّفَ لَكُمْ مُدَدًا». حضرت در ده پاره گفتار، به توصیف و تفسیر الله در قالب کنش اظهاری می‌پردازد.





نمودار ۲: کنش گفتاری اظهاری تفسیر در خطبه غراء

در جای دیگر نیز زمانی که دوباره امر به تقوا می‌کند، در قالب کنش اظهاری تفسیر می‌کند که چه کسی تقوا پیشه کرده و به اصطلاح متقی خوانده می‌شود، کسی که «مَنْ سَمِعَ فَخْشَعَ وَاقْتَرَفَ فَاَعْتَرَفَ وَوَجَلَ فَعَمِلَ ... وَاقْتَدَى فَاخْتَدَى وَارَى فَرَأَى».



نمودار ۳: کنش گفتاری اظهاری تفسیر در خطبه غراء

نظم و آهنگ کلام امیرمؤمنان(ع) در این پاره گفتارها مشهود است و خود این امر از عوامل درون زبانی است که بر تأثیر گفته می‌افزاید و مخاطب را به انجام کنش موردنظر ترغیب می‌کند. از دیگر کنش‌های اظهاری پرکاربرد، تشریح است. امیرمؤمنان(ع) در موقعیت‌های گوناگون این خطبه با این نوع فعل از کنش اظهاری بهره برده‌اند. برای مثال آنجا که به شرح حال انسان پس از برانگیخته شدن از قبر اشاره می‌کنند، در قالب کنش اظهاری بیان می‌فرمایند که «عَلَيْهِمْ لُبُوسُ الْإِسْكَانَةِ وَ صُرْعُ الْإِسْتِسْلَامِ ... الْأَسْمَاعُ لِزُبْرَةِ الدَّاعِي».



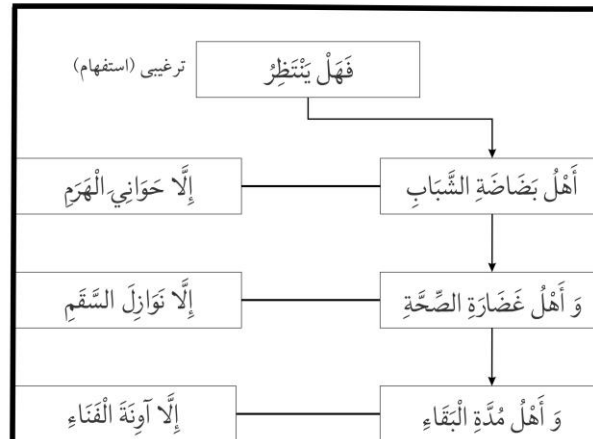
نمودار ۴: کنش گفتمانی اظهارات تشریح و توصیف در خطبه غراء همراه با کنش گفتمانی غیر مستقیم

کنش گفتمانی مستقیم این پاره‌گفتارها، کنش گفتمانی اظهارات تشریح و توصیف است، اما در پس آن کنش‌های گفتمانی غیرمستقیم وجود دارد که فعل مضمون در سخن را برای ما آشکار می‌کند. این کنش گفتمانی غیرمستقیم نوع دیگری از کنش اظهارات است که با توجه به بافت موقعیت و با توجه به گوینده گفتمان حاصل می‌شود. آنچه امیرمؤمنان(ع) در این بخش و نیز در چند جای دیگر خطبه بیان می‌فرمایند، اخباری است از آنچه هنوز روی نداده است. امیرمؤمنان(ع) به‌عنوان انسانی که در تفکر شیعه، امام و صاحب علم الهی است از عاقبتی خبر می‌دهد که پس از بعثت مردگان به وقوع می‌پیوندد. این کنش اظهارات از نوع اخبار غیبی که با آنچه در قرآن آمده است، تأیید می‌گردد. البته مقصود گوینده از کنش اظهارات تشریح که در قالب اخبار غیبی بیان شده است، تحذیر و تخویف مخاطب است که در حیطه کنش گفتمانی ترغیبی و عاطفی قابل بحث است.

کنش گفتمانی اظهارات دیگری که در خطبه غراء دیده می‌شود، کنش اظهارات تقابل است. امیرمؤمنان(ع) در بخش‌هایی از خطبه برای تأثیرگذاری بیشتر کلام از مفاهیم متقابل و بعضاً متضاد و یا متناظر بهره می‌برند تا فضای لازم را برای مخاطب ایجاد نمایند. برای مثال موقعیت جوانی و پیری، سلامت و سقم و نیز بقا و فناء را در مقابل یکدیگر تصویر می‌کند؛ «فَهَلْ يَنْتَظِرُ أَهْلُ بَصَاةِ الشَّيَابِ إِلَّا حَوَائِي الْهَرَمِ وَ أَهْلُ غَضَارَةِ الصِّحَّةِ إِلَّا نَوَازِلَ السَّقَمِ وَ أَهْلُ مُدَّةِ الْبَقَاءِ إِلَّا آوِنَةَ الْفَنَاءِ.» یا در جای دیگر می‌فرماید: «فَكَفَى بِالْجَنَّةِ ثَوَاباً وَ نَوَالاً وَ كَفَى بِالنَّارِ عِقَاباً وَ وَبَالاً وَ كَفَى بِاللَّهِ مُنْتَقِماً وَ نَصِيراً وَ كَفَى بِالْكِتَابِ حَاجِجاً وَ حَصِيباً.» این پاره‌گفتارهای سجع‌گونه و موزون علاوه بر ارزش ادبی که دارند، به ترسیم فضای

موردنظر در قالب کنش اظهاری کمک می‌کنند تا بافت درون زبانی، گوینده را به بیان مقصود خود نزدیک‌تر نماید.

اظهاری (تقابل)



نمودار ۵: کنش گفتاری اظهاری تقابل در خطبه غراء

به‌طور کلی حضرت در خطبه دو گروه را تصویر می‌کند که اعمالشان و درنهایت، عاقبتشان با یکدیگر تفاوت دارد. گروهی که به‌درستی تقوای الهی پیشه می‌کند «مَنْ سَمِعَ فَخَشَعٌ وَ...» و درنهایت نجات می‌یابد و آخرت را آباد می‌کند «فَأَسْرَعُ طَالِباً وَ نَجَا هَارِباً وَ...». در مقابل گروهی که «الْقُلُوبُ فَاسِيَةٌ عَنِ حَظِّهَا لَاهِيَةٌ عَنِ زُشْدِهَا سَالِكَةٌ فِي غَيْرِ مَضْمَارِهَا» به‌عذابی گرفتار می‌آید که «وَ أَكْبَرُ مَا هُنَالِكَ بَلِيَّةٌ نُزُولُ الْحَمِيمِ وَ تَصْلِيَةُ الْجَحِيمِ وَ فُورَاتُ السَّعِيرِ وَ سَوَارَاتُ الرَّفِيرِ».

اظهاری (تقابل)

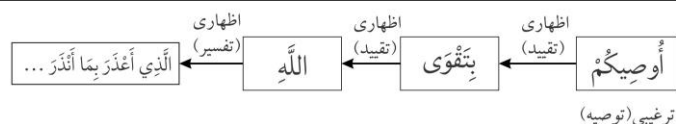
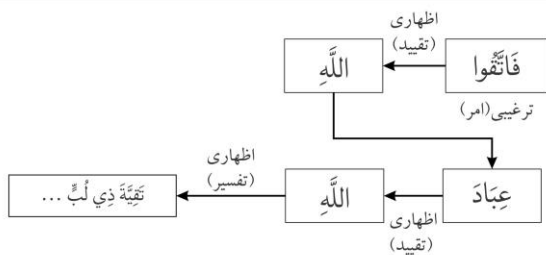
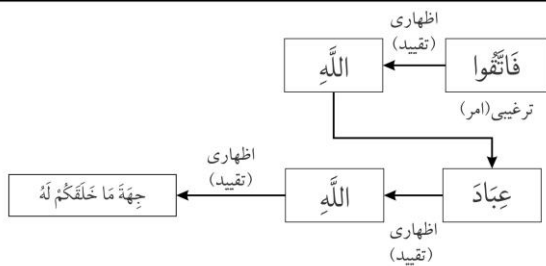
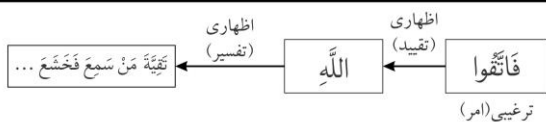
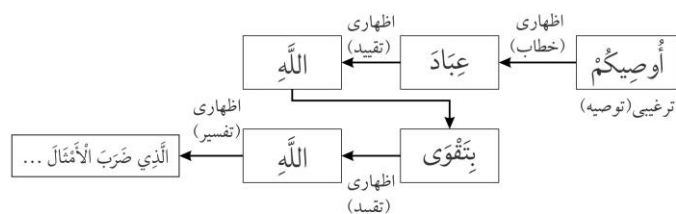
اظهاری (تفسیر)	اظهاری (تشریح)
<p>مَنْ سَمِعَ فَخَشَعَ وَ اقْتَرَفَ فَاعْتَرَفَ وَ وَجَلَ فَعَمِلَ وَ حَادَرَ فَبَادَرَ وَ ابْتَقَنَ فَأَحْسَنَ وَ عُيِّرَ فَاعْتَبَرَ وَ حَذَرَ فَحَذَرَ وَ رُجِرَ فَارْتَدَّ وَ أَحَابَ فَأَنَابَ وَ رَاجَعَ فَتَابَ وَ اقْتَدَى فَاحْتَدَى وَ أَرَى فَرَأَى</p>	<p>فَالْقُلُوبُ قَاسِيَةٌ عَنْ حَظِّهَا لَاهِيَةٌ عَنْ شُدِّهَا سَالِكَةٌ فِي غَيْرِ مِضْمَارِهَا كَأَنَّ الْمَعْنِيَّ سِوَاهَا وَ كَأَنَّ الرُّشْدَ فِي إِحْرَازِ دُنْيَاهَا</p>
<p>فَأَسْرَعَ طَالِباً وَ نَجَا هَارِباً فَأَفَادَ ذَخِيرَةً وَ أَطَابَ سَرِيْرَةً وَ عَمَّرَ مَعَاداً وَ اسْتَنْظَرَ زَاداً لِيَوْمِ رَحِيلِهِ وَ وَجَّهَ سَبِيلَهُ وَ حَالَ حَاجَتِهِ وَ مَوْطِنَ فَاقْتِهِ وَ قَدَّمَ أَمَامَهُ لِيَلْإَرِ مَقَامِهِ</p>	<p>نَفَرَ مُسْتَكْبِراً وَ حَبِطَ سَادراً مَاتِحاً فِي غُزْبِ هَوَاةٍ كَادِحاً سَغِيّاً لِدُنْيَاهَا فِي لَذَاتِ طَلْبِهِ وَ بَدَوَاتِ أَرْبِهِ ثُمَّ لَا يَخْتَسِبُ رِزْقَهُ وَ لَا يَخْشَعُ تَقِيَّةً فَمَاتَ فِي فِتْنَتِهِ غَرِيْباً وَ عَاشَ فِي هَفْوَتِهِ سَبِيْرًا لَمْ يُفِدْ عَوْضاً وَ لَمْ يُفْضِ مُفْتَرَضاً</p>
<p>وَ أَعْظَمَ مَا هُنَالِكَ بَلِيَّةٌ تُزْوَلُ الْحَمِيمِ وَ تَضْلِيَةُ الْجَحِيمِ وَ فَوْرَاتِ السَّعِيرِ وَ سَوْرَاتِ الرَّفِيرِ لَا فَتْرَةَ مُرِيْحَةٍ وَ لَا دَعَةَ مُرِيْحَةٍ وَ لَا فَوْقَةَ حَاجِرَةٍ وَ لَا مَوْتَةَ نَاجِرَةٍ وَ لَا سِنَّةَ مُسْلِيَّةٍ بَيْنَ أَطْوَارِ الْمَوْتَاتِ وَ عَذَابِ السَّاعَاتِ</p>	<p>اظهاری (بیان خیر)</p>
<p>اظهاری (بیان عاقبت)</p>	<p>اظهاری (بیان خیر)</p>

نمودار ۶: کنش گفتاری اظهاری تقابل در فضای کلی خطبه با توجه به بخش‌های مختلف خطبه غراء

۲-۲-۲. خطبه غراء و کنش گفتاری ترغیبی

دومین کنش گفتاری از لحاظ تعداد کاربرد در خطبه، کنش ترغیبی است. گوینده در این کنش قصد دارد تا مخاطب را برای انجام کار و تکلیفی ترغیب کند. این کنش خواسته‌ها و تمایلات گوینده را بیان می‌کند. از مهم‌ترین این تمایلات و خواسته‌ها که امیرمؤمنان (ع) در خطبه بیان می‌فرماید، ترغیب به تقوا است. در فرازهای ابتدایی خطبه حضرت می‌فرماید «أَوْصِيكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ...» این فراز از خطبه با کنش ترغیبی آغاز می‌شود. با توجه به جایگاه امام علی (ع) در میان مخاطب، در واقع توصیه‌ای که در این جمله فعلیه انجام می‌گیرد، امر به تقوای الهی است که حضرت برای آن، از فعل توصیه کردن (أَوْصِيكُمْ) بهره می‌برند. سپس در یک کنش ترغیبی «عِبَادَ اللَّهِ» را مخاطب قرار می‌دهد. پس این کنش ترغیبی می‌تواند

خطاب به تمام بندگان الله باشد که مخاطب این گفتمان شنیداری و یا مکتوب هستند. تکرار کلمه «الله» در این پاره گفتار، به طور غیرمستقیم، بر اهمیت این موضوع می‌افزاید و این کنش اظهاری تأکید، در حقیقت آن کنش ترغیبی را جلوه بیشتری می‌دهد. بندگان الله باید نسبت به الله تقوا پیشه کنند. امر به تقوا که در قالب کنش ترغیبی رخ می‌نماید چهار مرتبه دیگر در خطبه تکرار می‌شود؛ «فَاتَّقُوا اللَّهَ تَقِيَّةً مَنْ سَمِعَ فَخَشَعَ...»، «فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ تَقِيَّةً ذِي لُبِّ شَعَلِ التَّفَكُّرِ قَلْبُهُ...»، «أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ الَّتِي أَعْدَرَ بِمَا أَنْذَرَ...».



نمودار ۷: کنش گفتاری ترغیبی در مواضع امر و توصیه به تقوا در خطبه غراء

علاوه بر نمود کنش ترغیبی امری، کنش ترغیبی در قالب استفهام هم در خطبه دیده می‌شود. «هَلْ يَنْتَظِرُ أَهْلُ بَصَاظَةِ الشَّبَابِ إِلَّا حَوَانِي الْهَرَمِ»، «فَهَلْ دَفَعَتِ الْأَقْرَابُ أَوْ نَفَعَتِ التَّوَابِعُ»، «أَيُّنَ الدِّينِ عَمَّرُوا فَنَعَمُوا وَ عُلِمُوا فَفَهَّمُوا» و ... البته با توجه به بافت خطبه اغلب این استفهام‌ها، استفهام انکاری است و گوینده به‌واقع در پی جواب نیست، بلکه فعل مضمون در سخن در این پاره‌گفتارها همان کنش ترغیبی از نوع تنبیه و تذکیر و یا کنش عاطفی توبیخ است تا مخاطب به آنچه گفته شده، بیندیشد. کنش گفتاری ترغیبی در این خطبه بیشتر در قالب کنش گفتاری غیرمستقیم ظهور و بروز دارد که در جای مقتضی به آن پرداخته می‌شود. در جدول ۲ می‌توانید فراوانی افعال کنش گفتاری ترغیبی را در مجموع کنش‌های گفتاری مستقیم و غیرمستقیم در خطبه غراء مشاهده کنید.

جدول ۲: فراوانی انواع فعل‌های به‌کاررفته در کنش‌های گفتاری ترغیبی در یک یا مجموع چند پاره‌گفتار در خطبه غراء

افعال کنش اظهاری	دفعات کاربرد	افعال کنش اظهاری	دفعات کاربرد
تنبیه	۲۱	خطاب	۵
تذکیر	۱۰	تذکیر	۴
امر	۹	توصیه	۲
استفهام	۸	شرط	۳
... و			

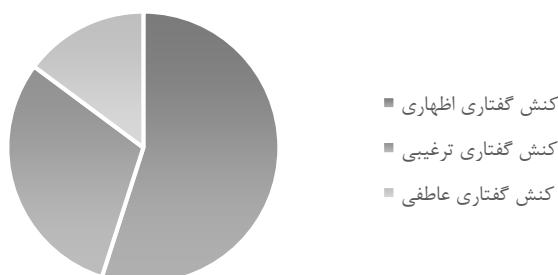
### ۲-۲-۳. کنش گفتاری عاطفی

کنش گفتاری دیگری که در خطبه غراء مشاهده می‌شود، کنش گفتاری عاطفی است؛ خطبه غراء با یک کنش عاطفی شروع می‌شود. بیان حضرت با حمد الهی در قالب جمله اسمیه آغاز می‌گردد، «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي...» بنابراین کنش گفتاری ابتدای خطبه کنش عاطفی است. حضرت با انجام این کنش سعی در تحمید خدای متعال دارد. این حمد برای الله است. در ادامه نیز حضرت کنش عاطفی تحمید را در پاره‌گفتار «أَحْمَدُهُ عَلَى عَوَاطِفِ كَرَمِهِ وَ سَوَابِغِ نِعَمِهِ» تکرار می‌کند و البته این بار در قالب جمله فعلیه. این حمد مقید است بر مهربانی‌ها و کرم الهی و بر جمیع نعمت‌های خداوند. یک‌بار نیز کنش عاطفی به اعجاب و شگفتی گوینده اشاره می‌کند آنجا که حضرت اظهار تعجب می‌کند از مثل‌های صحیح و پابرجا و پندهای شفا دهنده‌ای که گویا کسی از آن‌ها سود نمی‌جوید؛ «فَيَا لَهَا أَمْثَالًا صَائِبَةً وَ مَوَاعِظَ شَافِيَةً» درباره کنش عاطفی نیز می‌توان گفت که کاربرد آن بیشتر ناظر بر کنش گفتاری غیرمستقیم است که گاهی در قالب توبیخ و تهکم می‌تواند جلوه کند. اسلوب تهکم یکی از متداول‌ترین شیوه‌های ادبی جهت تنبیه و هشجاری مخاطب است که متکلم جهت توهین، تحقیر و یا تنبیه مخاطب، لفظی را به جای لفظی دیگر می‌آورد؛ مانند زمانی که مدح را به جای ذم و وعد را به جای وعید به کار گیرد. امام علی(ع) در بسیاری از خطبه‌های نهج‌البلاغه با اهداف مختلف از این صنعت ادبی بهره گرفته‌اند(دهقان ضاد و موسوی مهربانی، ۱۳۹۵: ۱۵) که در ادامه به آن اشاره می‌نماییم.

جدول ۳: فراوانی انواع فعل‌های به‌کاررفته در کنش‌های گفتاری عاطفی در یک یا مجموع چند پاره‌گفتار در خطبه‌غراء

افعال کنش اظهاری	دفعات کاربرد	افعال کنش اظهاری	دفعات کاربرد
تخویف	۱۲	تحمید	۲
توبیخ	۴	تعجب	۱
سرزنش	۴	تحقیر	۱
استفهام	۸	امیدواری	۱

نکته نهایی این است که با توجه به اینکه نمودی از کنش گفتاری اعلامی و تعهدی در خطبه‌غراء دیده نشد، می‌توان گفت که از میان کنش‌های گفتاری پنج‌گانه از دید جان سرل، فقط سه کنش اظهاری، ترغیبی و عاطفی در خطبه‌بازیابی شد که از آن میان، کنش اظهاری بیشترین کاربرد را کنش گفتاری مستقیم داشته است و آنچه ما را به مقصود گوینده نزدیک می‌کند، پی بردن به کنش‌های ترغیبی و عاطفی است که در قالب کنش گفتاری غیرمستقیم، با توجه به بافت درون زبانی و برون زبانی خطبه قابل دریافت است.



نمودار ۸: درصد فراوانی کنش‌های گفتاری مستقیم و غیرمستقیم به‌کاررفته در خطبه‌غراء

### ۲-۳. نسبت کنش گفتاری مستقیم و غیرمستقیم در خطبه‌غراء

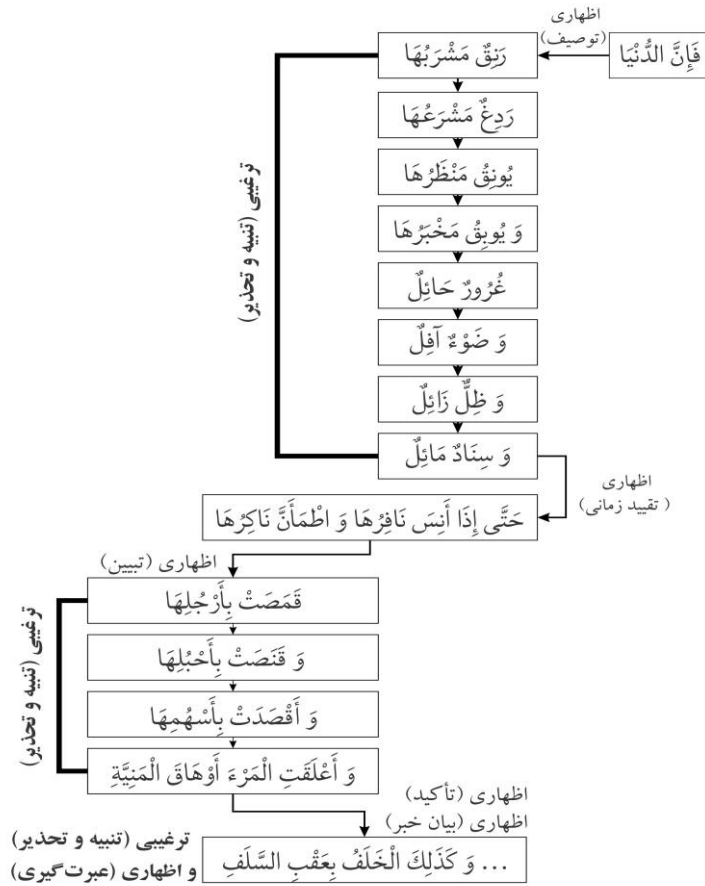
با توجه به آنچه از بررسی کنش‌های گفتاری خطبه‌غراء برآمد، می‌توان گفت که عمده کنش‌های گفتاری مستقیم در این خطبه از نوع کنش اظهاری است، اما آنچه ما را به دریافت روح کلی خطبه و مقصود اصلی گوینده نزدیک می‌کند، کنش گفتاری غیرمستقیم است. از این رو با توجه به آنکه از نظر جان سرل، دست یافتن به فعل مضمون در سخن، مقصود گوینده را روشن‌تر می‌سازد، در بررسی خطبه‌غراء نیز در پی دست یافتن به این امر برآمدیم. آنچه مخاطب را در رسیدن به فعل مضمون در سخن یاری می‌کند، توجه به بافت است.

امیرمؤمنان(ع) برای ایراد این خطبه، مخاطب‌سنجی و موقعیت‌سنجی مناسبی را صورت داده‌اند. مردمی که برای تشییع پیکر یکی از عزیزانشان، به قبرستان آمده‌اند، دارای قلوب رقیق‌تری هستند و از آن سو



چون در آن موقعیت قرار دارند، بیشتر می‌توانند حس کنند که مرگ و دل‌کندن از دنیا، امری حتمی‌الوقوع است. از این‌رو حضرت در آن شرایط خطبه‌ای را ایراد می‌کنند که محور اصلی آن تنبیه، تذکیر، تحذیر، تخویف و توبیخ است. این محور اصلی در قالب کنش گفتاری ترغیبی و عاطفی در شکل غیرمستقیم آن نمود می‌یابد. در بیان امام علی(ع) تکنیک‌های مختلفی اعم از تشجیع، نکوهش، خشیت، مقایسه و القا در راستای تأثیر گذاری بیشتر کلام، مشهود است. در تکنیک مقایسه ایشان با استفاده از مقایسه دنیا و آخرت درصدد هستند که واقعیت اعمال دنیوی و اخروی را به مخاطبان نشان دهند(فرخی و شهبازی، ۱۳۹۶: ۳۳)

برای روشن شدن مطلب به چند نمونه اشاره می‌کنیم. حضرت در بخشی از خطبه در توصیف دنیا می‌فرماید: «فَإِنَّ الدُّنْيَا رَيْقٌ مَشْرُوبُهَا رَدْعٌ مَشْرَعُهَا يُوقِي مَنْطَرُهَا وَ يُوقِي مَخْبَرُهَا غُرُورٌ حَائِلٌ وَ صَوءٌ آفِلٌ وَ ظَلٌّ زَائِلٌ وَ سِنَادٌ مَائِلٌ.» این فراز از خطبه که با «فاء استثنافیه» شروع می‌شود، شامل استعارات و تشبیهاتی است که امیرمؤمنان(ع) در معرفی دنیا از آن بهره می‌برند. در هشت پاره‌گفتار ابتدایی از ناپایداری دنیا، فریبنده بودن آن و ... سخن می‌گوید. این کنش‌های اظهاری توصیفی در لایه غیرمستقیم، مخاطب را از دل بستن به دنیا و دنیاخواهی بر حذر می‌دارد. پس کنش گفتاری غیرمستقیم در این پاره‌گفتارها، کنش ترغیبی تنبیه و تحذیر است. سپس حضرت با یک کنش اظهاری بیان می‌کند که در صورتی که شخص به دنیا انس بگیرد و به آن مطمئن شود، دنیا او را به زمین می‌زند و ...؛ «فَمَصَّتْ بِأَرْجُلِهَا وَ فَنَصَّتْ بِأَخْبِلِهَا وَ أَفْصَدَتْ بِأَسْهُمِهَا وَ أَعْلَقَتْ الْمَرْءَ أَوْهَاقَ الْمَنِيَّةِ.» در این چهار پاره‌گفتار حضرت از استعاره بهره می‌گیرند و با کنش اظهاری نحوه برخورد دنیا را با کسی که به آن انس گیرد، تبیین می‌کنند. این کنش‌های گفتاری به‌طور غیرمستقیم مخاطب را از انس گرفتن به دنیا و اطمینان کردن به آن، در قالب کنش ترغیبی، تحذیر می‌دهد. حضرت سپس تأکید می‌کند که آنچه بیان شد سرنوشت تمام آیندگانی است که در پی گذشتگان می‌آیند؛ «وَ كَذَلِكَ الْخَلْفُ بِعَقْبِ السَّلَفِ.»



نمودار ۹: کنش گفتاری مستقیم و غیرمستقیم در خطبه غراء

در بخش دیگری از خطبه حضرت به خلقت انسان اشاره کرده در قالب کنش اظهاری مراتب خلقت و تکوین او را بیان می‌فرمایند: «أَمْ هَذَا الَّذِي أَنْشَأَهُ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْحَامِ وَ شُعْفِ الْأَسْتَارِ ...» تا جایی که انسان در قامت و قدرت جسمانی به اعتدال و استوا می‌رسد. آنگاه حضرت بیان می‌فرمایند که «نَفَرٌ مُسْتَكْبِرًا وَ خَبَطَ سَادِرًا مَاتِحًا فِي غَرْبِ هَوَاهُ كَادِحًا سَعِيًّا لِدُنْيَاهُ فِي لُدَاتِ طَرِبِهِ وَ بَدَوَاتِ أَرْبِهِ.» در این پاره‌گفتارها حضرت در قالب کنش اظهاری به تشریح حال چنین انسانی می‌پردازد، اما آنچه با توجه به بافت خطبه و آنچه در پاره‌گفتارهای قبل آمد و نعمت خلقت انسان را یادآور شد، می‌توان گفت کنش گفتاری غیرمستقیم در این پاره‌گفتارها عاطفی است و گوینده سعی دارد تا مخاطب را توبیخ کند، مخاطبی که توسط خداوند از نطفه‌ای بی‌ارزش در ظلمات شکم مادر به انسانی معتدل و قوام یافته تبدیل شد، حال چگونه به حال کبر و غرور از مدار حق می‌گریزد و به فساد روی می‌آورد. آن پاره‌گفتارهای پیشین زمینه را برای این توبیخ و سرزنش آماده می‌کند.

در جایی دیگر حضرت به تشریح حال انسان در درون قبر پرداخته و این‌گونه توصیف می‌فرماید که «قَدْ غُوِرَ فِي مَحَلَّةِ الْأَمْوَاتِ رَهِيناً وَ فِي ضَيْقِ الْمَضْجَعِ وَحِيداً قَدْ هَتَكَتِ الْهَوَامُّ جِلْدَتَهُ وَ أَبْلَتِ النَّوَاهِكُ جِدَّتَهُ وَ عَفَّتِ الْعَوَاصِفُ آثَارَهُ...» این کنش اظهاری مستقیم در لایه غیرمستقیم، به قصد تنبیه و توجه دادن مخاطب بیان شده تا با ایجاد ترسی که در قالب کنش عاطفی بیان می‌شود، مخاطب را برای پذیرفتن پند ترغیب نماید.

در نهایت با توجه به مصادیقی که ذکر شد روح کلی و فعل مضمون در سخن اصلی در این خطبه کنش ترغیبی و عاطفی در لایه غیرمستقیم است. حتی استفهام‌ها نیز در خدمت همین فعل مضمون در سخن بیان شده‌اند؛ «هَلْ مِنْ مَنَاصٍ أَوْ خَلَاصٍ أَوْ مَعَاذٍ أَوْ مَلَاذٍ أَوْ فِرَارٍ أَوْ مَحَارٍ أَمْ لَا فَإِنِّي نُوْفُكُونَ أَمْ أَيْنَ تُصْرَفُونَ أَمْ بِمَا ذَا تَعْتَرُونَ.» این کنش‌های ترغیبی استفهامی در واقع سعی در تنبیه و توبیخ مخاطب دارد. با عنایت به این که نمی‌توان در این مجال تمام کنش‌های گفتاری به کاررفته در خطبه غراء را با توجه به حجم آن ارائه کرد، در جدول ۴ می‌توان کاربرد کنش‌های گفتاری مستقیم و غیرمستقیم را در برخی از پاره‌گفتارهای خطبه غراء مشاهده نمود.

جدول ۴: کاربرد کنش گفتاری مستقیم و غیرمستقیم در برخی از پاره‌گفتارهای خطبه غراء

بار مضمون در گفتار		یک یا چند پاره‌گفتار
غیرمستقیم	مستقیم	
-	عاطفی (تحمید)	الْحَمْدُ
-	اظهاری (تقید)	لِلَّهِ
-	اظهاری (تفسیر)	الَّذِي عَلَا بِخَوْلِهِ وَ ذَنَا بِطَوْلِهِ مَنَاحٍ كُلِّ غَيْمَةٍ وَ فَضْلٍ وَ كَاشِفٍ كُلِّ عَظِيمَةٍ وَ أَرْزُلٍ
-	عاطفی (تحمید)	أَحْمَدُهُ
-	اظهاری (تحدید)	عَلَى عَوَاطِفِ كَرَمِهِ وَ سَوَابِغِ نِعَمِهِ
-	اظهاری (بیان ادعا)	وَ أَوْمِنُ بِهِ أَوْلَا بَادِيَاً وَ اسْتَهْدِيهِ قَرِيبَاً هَادِيَاً وَ اسْتَعِينَهُ قَاهِرَاً قَادِرَاً وَ اتَّوَكَّلْ عَلَيْهِ كَافِيَاً
-	اظهاری (تعلیل)	نَاصِرَاً وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ
-	اظهاری (تعلیل)	أَرْسَلَهُ لِإِنْفَاقِ أَمْرِهِ وَ إِتْمَاعِ عَزْرِهِ وَ تَقْدِيمِ نُدْرِهِ
-	اظهاری (تحدید)	حَتَّى إِذَا تَصَرَّعَتِ الْأُمُورُ وَ تَقَصَّصَتِ الدُّهُورُ وَ أَرَفَ التُّشُورُ
ترغیبی (تذخیر)	اظهاری (تبیین)	أَخْرَجَهُمْ مِنْ صَرَاحِ الْقُبُورِ وَ أَوَّكَارِ الطُّيُورِ وَ أَوْجِرَةَ السَّبَّاحِ وَ مَطَارِحِ الْمَهَالِكِ
ترغیبی (تذکیر)	اظهاری (تشریح)	جَعَلَ لَكُمْ أَسْمَاعًا لَتَعِيَ مَا عَنَّا وَ أَبْصَارًا لَتَجَلُو عَنْ عَشَاهَا وَ أَشْلَاءَ جَامِعَةً لِأَعْضَانِهَا مَلَامَةً لِأَخْنَانِهَا فِي تَرْكِبِ صُورِهَا وَ مَدِدِ غَمْرِهَا بِأَبْدَانِ قَائِمَةٍ بِأَرْفَاقِهَا وَ قُلُوبٍ رَائِدَةٍ لِأَرْزَاقِهَا فِي مُجَلِّلاتِ نِعَمِهِ وَ مُوجِبَاتِ مَنِّهِ وَ حَوَاجِرِ عَافِيَتِهِ
	اظهاری (تعلیل)	
	اظهاری (توصیف)	
-	اظهاری (تشریح)	وَ تَلَقَّتِ الْإِسْبَغَاتُ بِبَصْرَةِ الْحَفَدَةِ وَ الْأَقْرَبَاءُ وَ الْأَعْرَةَ وَ الْقُرَنَاءُ
ترغیبی (تنبیه)	ترغیبی (استفهام)	فَهَلْ دَفَعَتِ الْأَقَارِبُ أَوْ نَفَعَتِ التَّوَابِعُ
ترغیبی (تنبیه)	اظهاری (تشریح)	وَ قَدْ غُوِرَ فِي مَحَلَّةِ الْأَمْوَاتِ رَهِيناً وَ فِي ضَيْقِ الْمَضْجَعِ وَحِيداً قَدْ هَتَكَتِ الْهَوَامُّ جِلْدَتَهُ وَ أَبْلَتِ النَّوَاهِكُ جِدَّتَهُ وَ عَفَّتِ الْعَوَاصِفُ آثَارَهُ وَ مَخَا الْخَدَثَانَ مَعَالِمَهُ وَ

		صارت الأجساد شجبة بعد بصيتها و العظام نجرة بعد قوتها و الأزواج مرتهنة يتقل أعبانها موقنة بغيب أنباتها لا تستزاد من صالح عملها و لا تستغتب من سبي زلها
-	اظهاری لث (تبیین)	أم هذا الذي أنشأه في ظلمات الأرحام و شغب الأستار
اظهاری لث (سلسله مراتب)	اظهاری لث (تبیین)	نطقه دهاقاً و علقه محاقاً و جبيناً و راضعاً و وليداً و يافعاً
-	اظهاری لث (تبیین)	ثم منح قلباً حافظاً و لساناً لافظاً و بصراً لاحظاً
-	اظهاری لث (تعلیل)	ليتهم معتبراً و يقصّر مزدجراً
ترغیبی لث (تنبيه)	اظهاری لث (تقيد)	حتى إذا قام اغبدالله و استوى مثاله
عاطفی لث (توبيخ)	اظهاری لث (بيان خبر)	نفر مستكبراً و حبط سادراً ماتحاً في غرب هواه كادحاً سعياً لدنياه في لذات طربه و بدوات آربه
عاطفی لث (توبيخ)	اظهاری لث (تشريح)	ثم لا يختسب زينة و لا يخشع تقية
ترغیبی لث (تحذير) عاطفی لث (توبيخ)	اظهاری لث (بيان بايان كار)	فمات في فتنه غيراً و عاش في هفوته يسيراً لم يبد عوضاً و لم يقص مفترصاً ذهنته فجعالت المنية في غير جماحه و سنن مراحه فظل سادراً و بات ساهراً في غمرات الآلام و طوارق الأوجاع و الأسقام
-	اظهاری لث (تشريح)	بين أخ شقيق و واليد شقيق و ذاعية بالويل جزعاً و لادمة للصدر فلقا و المرء في سكرة ملهفة و غمرة كارثة
ترغیبی لث (تحذير) عاطفی لث (تخويف)	اظهاری لث (تشريح)	و آية موجعة و جذبة مكربة و سوقة متعبية
ترغیبی لث (تنبيه) عاطفی لث (تخويف)	اظهاری لث (توصيف)	ثم أدرج في أكتافه ملبساً و جذب منقاداً سلساً ثم ألقى على الأعواد زجيج و صب و نضو سقم
ترغیبی لث (تنبيه) عاطفی لث (تخويف)	اظهاری لث (تشريح)	تحمله حفدة الولدان و حشدة الإخوان إلى دار غزبه و منقطع زوره و مفرد و خشية
-	اظهاری لث (تقيد)	حتى إذا انصرف المشتيع و رجع المنفجع
ترغیبی لث (تنبيه) عاطفی لث (تخويف)	اظهاری لث (تشريح)	أقعد في خفرتيه نجياً لهمة السؤال و عثرة الامتحان
ترغیبی لث (تنبيه) عاطفی لث (تخويف)	اظهاری لث (بيان عاقبت)	و أعظم ما هنالك بلية لزول الخميم و تصليته الخميم و فوارث السعير و سوارث الزفير
ترغیبی لث (تنبيه) عاطفی لث (تخويف)	اظهاری لث (تفسير)	لا فترة مريحة و لا دعة مريحة و لا فوة حاجزة و لا مؤنة ناجزة و لا سنة مسلية بين أطوار المونات و عذاب الساعات
-	ترغیبی لث (خطاب)	أولي الأبنار و الأسماع و العافية و المتاع
اظهاری لث (تقابل)	ترغیبی لث (استفهام)	هل من مناص أو خلاص أو معاذ أو ملاذ أو فزار أو محار أم لا
عاطفی لث (توبيخ) ترغیبی لث (تنبيه)	ترغیبی لث (استفهام)	فأني توفكون
	ترغیبی لث (استفهام)	أم أين تصرفون
	ترغیبی لث (استفهام)	أم بما ذا تغفرون
عاطفی لث (تحقير)	اظهاری لث (تبیین)	و إنما حظ أحدكم من الأرض ذات الطول و العرض قيد قده
-	اظهاری لث (تبیین)	متفقراً على خده
-	ترغیبی لث (تنبيه)	الآن
-	ترغیبی لث (خطاب)	عباد الله
ترغیبی لث (تنبيه) عاطفی لث (اميدواری)	اظهاری لث (تشريح)	و الخناق مهمل و الروح مرسل في فينة الإزجاد و راحة الأجساد و ناخة الإخشاد و مهل البقية و أنف المشية و إنظار التوبة و انفساح الخوية
ترغیبی لث (تنبيه)	اظهاری لث (بيان موقعيت)	قبل الصنك و المصبي و الروع و الرهوق و قبل قدوم الغائب المنتظر و إخذة الغرير المتقدر

## ۲-۴. تحلیل سیر به‌کارگیری کنش‌های گفتاری در خطبه غراء

خطبه با کنش عاطفی تحمید آغاز می‌شود، این کنش با توجه به شرایط مخاطب در زمان ایراد خطبه، فضا و جو روانی آرامی ایجاد می‌کند. گوینده خداوند را حمد کرده و با تفسیر و توصیف خداوند، مخاطب را به توجه به چنین خدایی تذکر می‌دهد تا آرامش یابد.

موقعیت بعدی با کنش ترغیبی و با توصیه به تقوا شروع می‌شود. تقوا در نسبت با الله تعریف می‌شود که در ادامه حضرت به تفسیر آن می‌پردازد و با یادآوری اوصاف دیگری از خداوند، به مخاطب تذکر می‌دهد و او را به داشتن چنین خداوندی امیدوار می‌سازد.

نقطه بعدی، دوری از دنیاست. حضرت این امر را در قالب کنش گفتاری اظهاری صورت می‌دهد اما در لایه غیرمستقیم و با بهره‌گیری از توصیفات و استعاراتی که به دنبال هم می‌آیند، مخاطب را از دل بستن و اطمینان کردن به چنین دنیایی تحذیر می‌دهد.

این روند تخویف و تحذیر با توصیف واقعیت دنیا ادامه پیدا می‌کند تا اینکه در توصیفات و شرح‌حالی که از روز حشر و قیامت صورت می‌گیرد، شدت پیدا می‌کند. کنش‌های گفتاری اظهاری در لایه مستقیم، آن شرایط را شرح و بسط می‌دهند، اما آنچه در لایه زیرین مخاطب را درگیر می‌کند، کنش گفتاری ترغیبی تحذیر و عاطفی تخویف است.

در فراز بعد، با تفسیر عباد و آنچه برای آن در دنیا تلاش می‌کنند، کمی از شدت کنش‌های گفتاری ترغیبی و عاطفی کاسته شده تا فضا را برای معرفی گروه مقابلی که تقوا ورزیده‌اند آماده نماید. این فضای آرام با کنش اظهاری در قالب بیان پایان کار و عاقبت این گروه که همانا نجات و عمران آخرت است، تقویت می‌شود.

این خط سیر به گوینده این امکان را می‌دهد که این فراز از خطبه را با سه کنش ترغیبی امری به پایان برساند، ابتدا امر به تقوا، سپس حذر کردن از پرداختن به نفسانیات و درنهایت کسب استحقاق لازم برای بازگشت به میعادگاه که وعده خداوند درباره آن صادق است.

این فضای آرام با ذکر نعمت‌هایی که خداوند نصیب انسان کرده از دادن چشم و گوش تا موانع آفات تندرستی و غیره ادامه می‌یابد. این کنش‌های اظهاری به تبیین آنچه درباره انسان صورت گرفته می‌پردازد تا زمینه لازم برای کنش ترغیبی عبرت‌گیری و پندپذیری مخاطب افزایش یابد.

حضرت از این فضا سازی بهره برده تا دوباره خطبه را به نقطه اوج ببرد و با توجه به لایه‌های غیرمستقیم کنش ترغیبی و عاطفی، از سرنوشت کسی که عمل شایسته‌ای در زمان سلامتی برای خود مهیا نکرد و از اوان عمر، به عبرت‌گیری نپرداخته یاد کند. این نقطه اوج با توصیف عالم قبر و شرح آنچه بر انسان پس از دفن شدن، می‌آید اوج می‌گیرد. کنش عاطفی و کنش ترغیبی که به‌طور غیرمستقیم در مخاطب اثر می‌کند، این تحذیر و تخویف را ایجاد می‌نماید.

این تخویف، تحذیر و تنبیه با تبیین پل صراط ادامه می‌یابد. تا زمینه را برای کنش ترغیبی امری بعدی آماده کند که همان امر به تقوا است. سپس برای روشن شدن این امر، کسانی که تقوا ورزیده‌اند، معرفی

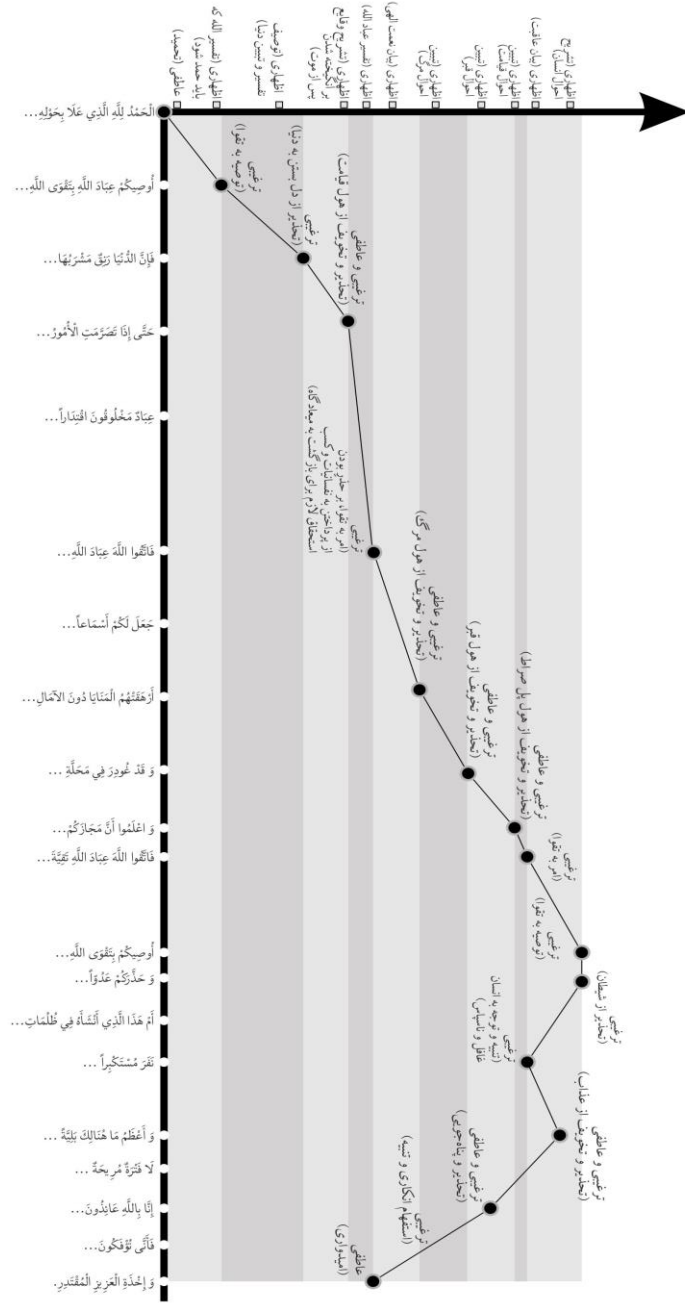
می‌شوند. بیان عاقبت آن‌ها در قالب کنش اظهاری، مخاطب را برای رسیدن به چنین عاقبتی ترغیب و تشویق می‌نماید.

فضاسازی کلی خطبه که توسط کنش گفتاری اظهاری به تقابل دو گروه و سرنوشتشان می‌انجامد، به مخاطب امکان مقایسه را می‌دهد تا از گرفتار شدن به سرنوشتی که عقوبت و وبال را به همراه دارد بر حذر بوده و به‌سوی مقابل گرایش پیدا کند.

نقطه بعدی باز هم توصیه به تقواست. این کنش گفتاری ترغیبی دوباره فضای خطبه را آرام کرده تا این بار به تفسیر شیطان و تلاش او برای گمراهی انسان پرداخته شود.

فضای آرام خطبه با یادآوری چگونگی خلقت انسان و تشریح آن در قالب کنش اظهاری ادامه می‌یابد. تا اینکه دوباره خطبه اوج گرفته و با بیان پایان کار کسانی که دچار کبر و غرور شدند، دوباره کنش گفتاری غیرمستقیم در غالب کنش ترغیبی تحذیر و تنبیه و عاطفی توبیخ و تخویف، ایفای نقش نماید. این تحذیر و تخویف با توصیف عذاب الهی که در آن سکون و آرامشی نیست و حتی برای لحظه‌ای برطرف نمی‌شود، شدت می‌یابد. حضرت در پایان این فراز، با مخاطب همراه شده و با کنش اظهاری بیان می‌دارند که ما از این مصائب به خدا پناه می‌بریم؛ «إِنَّا بِاللَّهِ عَائِدُونَ.» این کنش گفتاری که با تقدیم خبر، جنبه تأکید نیز دارد، دوباره فضای خطبه را آرام می‌کند. حضرت این فضای آرام را با کنش ترغیبی استفهامی ادامه می‌دهد و با بیان پرسش درواقع از مخاطب می‌خواهد که از آنچه بر سر گذشتگان آمده است، عبرت گیرد. این توجه و تنبیه با پرسش‌های دیگری ادامه پیدا می‌کند و مخاطبی که هیچ راه فراری ندارد، تکیه‌گاه و پناهگاهی ندارد جز خداوند، توبیخ می‌شود که چرا منحرف شده و فریفته دنیا می‌شود.

انتهای خطبه نیز با کنش ترغیبی خطاب آغاز شده و عباد الله مورد توجه و تنبیه قرار می‌گیرند، در فضای آرامی که در انتهای خطبه ایجاد می‌شود، حضرت از مخاطب می‌خواهد که تا زمان عمل باقی است و فرصت توبه مهیا است چاره‌ای کند، پیش از آنکه تنگی وقت و تنگنای قبر از راه برسد. در مجموع می‌توان گفت خط سیر استفاده از کنش‌های گفتاری در این خطبه، یک روند خطی نیست، بلکه دارای فراز و فرود است و این فراز و فرود در خدمت خطبه و انتقال پیام اصلی خطبه است. در این سیر و روند حضرت از یک کنش گفتاری آرام و عاطفی شروع کردند، سپس روند خطبه با کنش‌های اظهاری بسط پیدا کرد. نقاط اوج خطبه که پیام اصلی خطبه را در بر دارد، در لایه مستقیم خود، کنش اظهاری را نشان می‌دهد، اما در لایه غیرمستقیم به کنش ترغیبی و بعضاً عاطفی می‌انجامد. انتهای خطبه نیز با توجه دادن مخاطب به بهره‌گیری از فرصت‌های باقی‌مانده، فرودی آرام دارد.



نمودار ۱۰: خط سیر به کارگیری کنش‌های گفتمانی مستقیم و غیرمستقیم در خطبه غراء

### نتیجه گیری

- ۱- بازخوانی خطبه غراء با توجه به نظریه کنش گفتاری جان سرل، نشان داد که در این خطبه می‌توان کنش اظهاری، ترغیبی و عاطفی را در میان پاره‌گفتارها باز جست؛ اما کنش اعلامی و کنش تعهدی در این خطبه دیده نشدند. کنش گفتاری مستقیم در این خطبه بیشتر در قالب کنش اظهاری نمود دارد اما آنچه ما را به مقصود گوینده نزدیک می‌کند، توجه به فعل مضمون در سخن در قالب کنش گفتاری غیرمستقیم است که برای دستیابی به آن نیاز است تا به بافت توجه نماییم. از این جهت کنش گفتاری که نقش اصلی در این خطبه را بر عهده دارد، کنش گفتاری غیرمستقیم از نوع ترغیبی و سپس عاطفی است.
- ۲- بازیابی کنش‌های گفتاری در این خطبه، حاکی از آن است که امام علی(ع) در صدد تحذیر مخاطب از دنیاگرایی و غفلت از مرگ و معاد و تشویق او به تقوا و توشه‌برداری جهت سرای آخرت است. به همین جهت کنش گفتاری اظهاری در قالب تبیین و تفسیر و سپس کنش گفتاری غیرمستقیم از نوع ترغیبی و سپس عاطفی، بیشترین کاربرد را در خطبه دارند. در راستای تقویت این معنا، بافت درون زبانی در قالب پاره‌گفتارهای موزون و سجع گونه بر تأثیر کلام می‌افزاید و مخاطب را برای رسیدن به مقصود کلام یاری می‌رساند. استفاده از آرایه‌های ادبی نظیر توصیف و استعاره، استفهام‌های انکاری، اخبارهای غیبی از عالم قبر و قیامت و... در لایه غیرمستقیم سخن نیز قدرت رسانش پیام را افزایش می‌دهد. از آن سو با توجه به موقعیت و بافت برون زبانی که خطبه در آن ایراد می‌شود و نیز توجه به موضوع اصلی خطبه که حول مسائل مرگ و معاد می‌چرخد، توصیفات و استعارات، به گونه غیرمستقیم مخاطب را به آرامی و در لفافه کلام، با فعل مضمون در سخن که در عمده موارد، در قالب کنش گفتاری ترغیبی تحذیر و تنبیه و کنش گفتاری عاطفی تخویف و توبیخ ظهور می‌یابد، آشنا می‌سازد.
- ۳- خوانش ساختارمند از خطبه با استفاده از تحلیل کنش‌های گفتاری نشان داد که با توجه به موضوع اصلی خطبه و روح کلی آن که تحذیر، ترغیب، تخویف و توبیخ است، امیرمؤمنان(ع) برای تأثیر بیشتر کلام از روند خطی بهره نبرده است و خطبه دارای نقاط فراز و فرود است. هر جا نیاز بوده که ضربه‌ای جهت تنبیه و توجه مخاطب زده شود، پیش از آن با کنش اظهاری زمینه‌سازی لازم انجام شده است، این کنش‌های اظهاری در نقاط اوج خطبه، کنش گفتاری غیرمستقیمی را حامل بوده‌اند تا مقصود گوینده، مرتفع گردد.



## منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه؛ شریف الرضی محمد بن حسن. (۱۴۱۴ق). مصحح صبحی صالح. قم: هجرت، چاپ اول.
- آفاگل زاده، فردوس. (۱۳۷۵). تحلیل گفتمان انتقادی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- پایا، علی. (۱۳۸۳). فلسفه تحلیلی، مسائل و چشم اندازها. تهران: طرح نو.
- چپمن، شیوان. (۱۳۸۴). از فلسفه به زبان شناسی. ترجمه حسین صافی. تهران: گام نو.
- حسینی، محمدضیاء، حسن پور، خسرو. (۱۳۹۱). سخن کاوی: گفتمان شناسی (انتقادی) تجزیه و تحلیل کلام. تهران: رهنما.
- دهقان ضاد، رسول؛ موسوی مهربانی، ایمان. (۱۳۹۵). «تحلیل ساختاری اسلوب تهکم در خطبه های نهج البلاغه». فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، سال چهارم، شماره ۱۶، ۱۵-۳۱.
- سرل، جان راجرز. (۱۳۸۵). افعال گفتاری؛ جستاری در فلسفه زبان. ترجمه محمدعلی عبداللهی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- صفوی، کورش. (۱۳۸۷). درآمدی بر معناشناسی. تهران: سوره مهر (پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی).
- طباطبایی، محمدکاظم. (۱۳۹۷). نقد متن و بررسی تشبیهات پیرامون نهج البلاغه. قم: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث.
- فرخی، میثم؛ شهبازی، امین. (۱۳۹۶). «تکنیک های عملیات روانی امام علی (ع) در رویارویی با دشمنان مطالعه موردی خطبه های نهج البلاغه». فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، سال پنجم، شماره ۲۰، ۳۳-۵۱.
- کوک، گای. (۱۳۸۸). زبان شناسی کاربردی. ترجمه مصطفی حسرتی، فریبا غضنفری و عامر قیطوری. کرمانشاه: انتشارات دانشگاه رازی کرمانشاه.
- مغنیه، محمدجواد. (۱۹۰۴م). فی ظلال نهج البلاغه. مصحح: سامی غریزی. بیروت: دارالکتاب العلمیه.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۵). پیام امام شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مکاریک، ایرنا ریما. (۱۳۸۴). دانشنامه نظریه های ادبی معاصر. ترجمه مهراں مهاجر. محمد نبوی، تهران: آگه.
- بول، جورج. (۱۳۸۷). کاربردشناسی زبان. ترجمه محمد عموزاده و منوچهر توانگر. تهران: سمت.
- Austin, J. L. (1970). **How to Do Things with Words?**, The William James Lectures Delivered at Harvard University: Harvard University Press.
- Botha, J.E (1991). "Speech act theory and new testament exegesis", **HTS Teologiese Studies / Theological Studies**, Vol. 47, No. 2, 294-303.
- Brinton, L. J. (2000). **The Structure of Modern English: A Linguistic Introduction**, Amsterdam: John Benjamins publishing Company.
- Crystal, D (1985). **A Dictionary of Linguistics & Phonetics**, Basil Blackwell Ltd, New York.
- Searle, J. R. (1969). **Speech Acts: an Essay in the philosophy of Language**, Cambridge: Cambridge University Press.
- Searle, J. R. (1975). **A taxonomy of illocutionary acts. Language and knowledge**, Minneapolis: University of Minneapolis press.
- Verschueren, J. (2003). **Understanding pragmatics**. Arnold: London.